

فرمان شاه عباس بزرگ به آنتونیو شرلی

الملك تعالی بنده شاه ولایت عباس

فرمان همایون شد آنکه امارت پناه نتیجه السلاطین المسيحیه اسوة الولاة الفرنگیه امیرزاده اعظم آنتونیا شرلی بوفور توجهات بیکران شاهانه و تلطفات واصطناعات بی پایان پادشاهانه عز اختصاص و شرف [ما] بدانند که حالا چند سال شد که از خدمت اشرف بجانب فرنگستان رفته اصلا از جانب او یکمرتبه خبری نرسیده و عرضه [ای] که مبنی بر حقایق حالات آنجای بوده باشد نفرستاده که معلوم شود که چه کار ساخته و در چه کار است. ازو بسیار عجیب و بعید نمود که درین ایام کس بدرگام معلی نفرستاده و شرح حالات آنجای را عرض نکرده. رایات نصرت آیات جاه و جلال حالا سه سال شد که بجانب دارالسلطنه تبریز نهضت نموده و الکاء آذربایجان بالتمام بتحت تصرف اولیاء دولت روز افزون درآمده از جانب او خبری نرسیده که سلاطین عظام فرنگیه در چه کاراند. برادر او در خدمت اشرف و بدستور منظور انظار شفقت و التفات نواب همایون ماست. می یابد که برخلاف سابق حقیقت حال خود و سلاطین عظام فرنگیه و ارادات خاطر ایشان را عرض نموده تقصیر ننماید و چنان نماید که نواب همایون مانیز از اوضاع آنجا و قرارداد خاطر سلاطین فرنگیه واقف [-] بنوازشات خسروانه و ائق بوده باشد.